

واکاوی سهم خاندان یقطین در جریان‌های کلامی سده‌ی دوم

اکبر اقوام کرباسی^۱

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵
(DOI): 10.22034/shistu.2025.2057162.2519

چکیده

خاندان یقطین یکی از خاندان‌های تأثیرگذار در تاریخ اندیشه‌ی امامیه در سده‌های نخستین هجری بودند و در سطوح فردی (شخصیت‌هایی مانند علی بن یقطین، حسن بن علی، یونس بن عبدالرحمان و محمد بن عیسی)، نهادی (انتقال میراث کلامی از کوفه به قم و بغداد) و محتوایی (آثاری مانند مناظرة الشاک بحضرت^{علیه السلام} و مسائل عن ابی الحسن موسی^{علیه السلام} و کتاب الواضح المکشوف فی الرد علی أهل الوقوف) به مثابه‌ی یک نهاد فکری یکپارچه در شکل‌دهی به گفتمان کلامی امامیه در سده‌ی دوم هجری نقش آفرینی کردند. این خاندان با ترکیب روایت‌محوری در مثل علی بن یقطین یا حسن بن علی و نظریه‌پردازی در امثال یونس بن عبدالرحمان یا محمد بن عیسی یقطینی، تنوع قابل توجهی در عرصه‌ی کلامی در سده‌ی دوم از خود بر جای گذاشتند. این مهم مرهون عوامل مختلفی، از جمله حفظ ارتباط عمیق با ائمه‌ی اطهار^{علیهم السلام} و تعامل هوشمندانه با عباسیان (تقیه‌ی سیاسی) بود. پژوهش حاضر با روش «تاریخی - تحلیلی»، از این طریق بر ضرورت بازخوانی نقش خاندان‌های علمی - نه صرفاً افراد یا مدارس کلامی - در تاریخ کلام امامیه تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خاندان یقطین، کلام امامیه، سده‌ی دوم هجری، روایت‌محوری، نظریه‌پردازی کلامی.

۱. استادیار گروه کلام پژوهشکده‌ی فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
akbarkarbassi@gmail.com

مقدمه

نخستین کاوش‌ها نشان می‌دهد بررسی سیر تکوین کلام امامیه در سده‌های نخستین هجری، بیشتر با تمرکز بر شخصیت‌های شاخص کلامی (مانند هشام بن حکم) یا مدارس کلامی (نظیر مدرسه‌ی کوفه و قم) صورت گرفته است. با این حال، نقش خاندان‌های شیعی به‌مثابه‌ی نهادهای فکری پیوسته و چندنسلی که در انتقال، بازسازی و حتی تولید مفاهیم کلامی نقش محوری ایفا کرده‌اند، کمتر توجه پژوهشگران را برانگیخته است.

منظور از «نهاد فکری» در این پژوهش، صرفاً یک ساختار سازمانی رسمی نیست، بلکه شبکه‌ای از افراد مرتبط (از طریق نسب یا موالات) است که با وجود تفاوت‌های فردی و گرایش‌های مختلف، در مجموع، یک هویت مشترک، اهداف کلی همسو (مانند حمایت از مکتب امامیه) و نقش‌آفرینی مستمر در فضای فکری و کلامی داشته‌اند. بنابراین، اشاره به این خاندان به‌مثابه‌ی یک «نهاد فکری»، نافی وجود اختلاف نظرها یا رویکردهای متفاوت در میان اعضای آن نیست - که در ادامه به آن نیز اشاره خواهد شد.

خاندان یقطین یکی از خاندان‌های برجسته امامی در عصر ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌شمار می‌آیند که در پژوهش‌ها مغفول واقع شده‌اند. اگرچه نام اعضای این خاندان در اسناد روایات فقهی و اعتقادی به‌وفور دیده می‌شود، اما جایگاه آنها در شکل‌دهی به گفتمان کلامی امامیه نخستین، در سایه شهرت راویان و متکلمانی مانند هشام بن حکم، مؤمن الطاق، هشام بن سالم و زُرارة بن اَعین ناشناخته مانده است.

این پژوهش درصدد است نشان دهد سهم خاندان یقطین در جریان‌های کلامی سده‌ی دوم چیست؟ و این خاندان تا چه حد در تقویت زیرساخت‌های فکری امامیان و غنابخشی به میراث کلامی شیعه نقش داشته‌اند؟ مقاله‌ی حاضر با تکیه بر روش «تاریخی - تحلیلی» و با استفاده از اطلاعات منابع معتبر و اصلی امامی - اعم از رجال، حدیثی و کلامی - صورت گرفته است. در روش مزبور، محقق با بررسی و تحلیل دقیق منابع تاریخی (مانند اسناد، مدارک، خاطرات و گزارش‌ها) در پی درک و تبیین پدیده‌ها، رویدادها یا مسائل در گذشته است.

هدف اصلی این روش، نه تنها توصیف آنچه اتفاق افتاده، بلکه تحلیل علل، پیامدها و ارتباطات بین عوامل مختلف برای رسیدن به فهم عمیق‌تر از موضوع مورد مطالعه در بستر تاریخی آن است. بر همین اساس، به چند لایه از بررسی‌ها نظر دارد:

نخست. بررسی افراد شاخص در این خاندان: در سطح فردی، شخصیت‌های شاخص و محوری این خاندان معرفی شده‌اند.

دوم. بررسی این خاندان در سطح نهادی: این پژوهش به بررسی این خاندان در سطح نهادی پرداخته است تا نشان دهد این خاندان مانند یک «مؤسسه» دارای رویکردی یکپارچه بوده‌اند یا اعضای آن به جریان‌های مختلف تمایل داشتند؟ میزان اعتبار روایات کلامی این خاندان و ارتباط آنها با ائمه اطهار علیهم‌السلام در همین لایه ارزیابی می‌شود.

سوم. تحلیل محتوای آثار این خاندان: محتوای آثار منسوب به خاندان یقطین یا نقل‌قول‌های دیگران از آنها در منابع معتبر تحلیل شده است.

لازم به ذکر است که هرچند تفکیک تحلیلی این سه سطح (فردی، نهادی و محتوایی) به درک بهتر ابعاد نقش‌آفرینی خاندان یقطین کمک می‌کند، اما در عمل، فعالیت‌های این خاندان در این سطوح غالباً درهم‌تنیده و غیرقابل تفکیک مطلق بوده است. بنابراین، در ادامه‌ی پژوهش، تحلیل‌ها لزوماً به صورت جداگانه در ذیل هر یک از این عناوین ارائه نخواهد شد، بلکه با توجه به ماهیت شواهد و اقتضای بحث، حرکت سیالی بین این سطوح صورت خواهد گرفت تا تصویر جامع‌تر و واقعی‌تری از سهم این خاندان به دست آید. ناگفته پیداست که این بررسی‌ها می‌تواند از سطح تأثیرگذاری آموزش‌های این خاندان بر شکل‌گیری مفاهیم اعتقادی و کلامی نیز خبر دهد. در نتیجه، جریان‌شناسی افراد شاخص این خاندان پس از این بررسی‌ها میسور خواهد بود.

برای ارزیابی دقیق سهم خاندان یقطین در شکل‌گیری و توسعه‌ی جریان‌های کلامی امامیه در سده‌ی دوم هجری، این پژوهش بر مجموعه‌ای از معیارها و شاخص‌های مشخص تکیه دارد. این معیارها در سه سطح فردی، نهادی و محتوایی - همان‌گونه که در روش پژوهش اشاره شد - بررسی می‌گردند و به ما امکان می‌دهند تا فراتر از صرف توصیف، به تحلیل نقش فعال و تأثیرگذار این خاندان بپردازیم.

مهم‌ترین معیارهای مد نظر در این تحقیق عبارتند از:

۱. **تولید و محتوای آثار کلامی:** بررسی وجود و محتوای کتب، رسالات، یا گزارش‌های منسوب به اعضای خاندان یقطین که مستقیماً به موضوعات اعتقادی و کلامی

می‌پردازند (مانند کتاب مسائل عن ابی‌الحسن موسی بن جعفر^{علیه السلام} یا مناظرة الشاک بحضرت^{علیه السلام})؛ و تحلیل نوع نگاه و رویکرد کلامی منعکس شده در این آثار.

۲. شرکت در مباحث و مناظرات کلامی: بررسی حضور اعضای این خاندان در جلسات پرسش و پاسخ، مباحثات علمی، یا مناظرات با نمایندگان دیگر جریان‌های فکری (مانند مناظره‌ی علی بن یقطین با فرد شکاک در حضور امام)؛ این معیار نشان‌دهنده‌ی قدرت استدلال و توان دفاع از مبانی اعتقادی است.

۳. نقل و انتقال روایات اعتقادی: ارزیابی حجم، صحت و موضوعات روایات اعتقادی منقول توسط راویان این خاندان از ائمه‌ی اطهار^{علیهم السلام}؛ این معیار، به‌ویژه برای شناسایی نقش آنها در جریان «محدثان متکلم» یا «متکلمان متن‌محور» اهمیت دارد و نشان‌دهنده‌ی سهم آنها در انتقال میراث کلامی مبتنی بر حدیث است.

۴. مواجهه با جریان‌های فکری مخالف: شناسایی و تحلیل اقدامات اعضای خاندان در مواجهه‌ی فکری، علمی یا عملی با جریان‌های انحرافی (مانند واقفه، غالیان) یا مکاتب کلامی رقیب، شامل ردیه‌نویسی‌ها و تبیین نقاط افتراق اعتقادی.

۵. ارتباط با ائمه‌ی اطهار^{علیهم السلام} و جایگاه علمی نزد ایشان: بررسی کیفیت و کمیت ارتباط اعضای کلیدی خاندان با ائمه‌ی اطهار^{علیهم السلام}، به‌ویژه در زمینه‌ی طرح مسائل اعتقادی و دریافت پاسخ‌ها؛ اعتبار روایی و علمی آنها نزد ائمه نیز می‌تواند معیاری برای سنجش جایگاه آنان در منظومه‌ی فکری امامیه باشد.

۶. نقش نهادی و انتقال دانش: بررسی سهم خاندان به‌مثابه‌ی یک واحد منسجم در انتقال میراث کلامی از یک مرکز علمی به مرکز دیگر (مانند انتقال از کوفه به قم و بغداد) یا در تثبیت یک رویکرد کلامی خاص در یک دوره‌ی زمانی، که نشان‌دهنده‌ی تأثیرگذاری آنها در سطح نهادی است.

۷. سهم آنها در رویکردهای مختلف کلامی: تحلیل جایگاه اعضای شاخص خاندان در دو جریان عمده‌ی کلامی سده‌ی دوم (روایت‌محوری و نظریه‌پردازی) و بررسی چگونگی ترکیب یا تأکید بر یکی از این رویکردها توسط افراد مختلف خاندان، که گویای تنوع یا وحدت رویه‌ی فکری در این نهاد خانوادگی است.

پیشینه

بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعات پیشین درباره‌ی خاندان یقطین، عمدتاً در دو حوزه‌ی «رجال‌شناسی» و «تاریخ اجتماعی» شیعه متمرکز بوده است؛ مثلاً، مقالات «نقش سیاسی خاندان یقطین در تاریخ شیعه» (جعفرنیا، ۱۳۹۴، ص ۸۷-۱۰۸) یا «تأثیر خاندان یقطین در حدیث گرابی شیعه» (جعفرنیا، ۱۳۹۲، ص ۳۷-۶۵) هرچند به نقش خاندان‌ها در پیشبرد تشیع اشاره می‌کنند، اما تحلیل نظام‌مندی از دستاوردهای کلامی آنها ارائه نمی‌دهند.

همچنین رساله‌ی کارشناسی ارشد خانم فاطمه‌سادات رضوی حائری با عنوان «اندیشه‌ها و آراء کلامی خاندان یقطین»، اگرچه اندیشه‌های کلامی این خاندان را در سطح رساله‌ی خود تتبع کرده، اما بررسی سهم این خاندان در جریان‌های کلامی نخستین امامیه را رسالت پایان‌نامه خود ندانسته است.

البته مقاله‌ی وزینی از دکتر موسوی تینیانی با عنوان «بازخوانی جریان کلامی هشام بن حکم در بغداد» واجد بخشی است که به امتداد جریان فکری هشام در یونس بن عبدالرحمن پرداخته است.

اطلاعات پراکنده‌ی دیگری را نیز می‌توان در لابه‌لای تلاش‌هایی که مورخان در دوران معاصر انجام داده‌اند، یافت؛ اما این اطلاعات آن‌قدر نوین و نظام‌مند نیست که بتواند هدف این پژوهش را تأمین کند.

۱. معرفی اجمالی خاندان یقطین

۱-۱. یقطین بن موسی

نخستین مطالعات درباره‌ی شناخت این دودمان نشان می‌دهد بزرگ این سلسله شخصی است به نام یقطین بن موسی. آن‌گونه که از منابع تاریخی برمی‌آید، وی در کوفه اقامت داشته (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۰) و کسب و کاری در حوزه بافندگی (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۴، ج ۱۴، ص ۳۶۴) یا ادویه‌فروشی داشته است (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۲۹).

درخصوص مذهب یقطین، دیدگاه‌های متناقضی وجود دارد: برخی او را شیعه‌ای ارادتمند به اهل بیت علیهم‌السلام دانسته‌اند که با امام صادق علیه‌السلام ارتباط داشته است (طوسی، ۱۴۱۷ق،

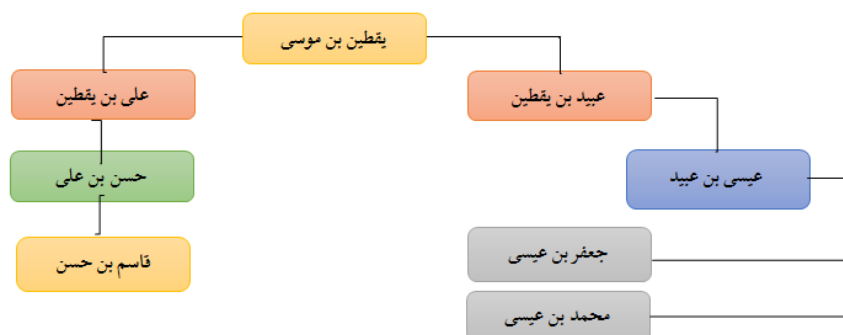
ص ۲۷۰، رقم ۳۸۹). در مقابل، برخی گزارش‌ها از حضور یقطین در دستگاه خلافت عباسیان (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ق، ص ۳۰۲) ابهاماتی را در تشیع او به وجود آورده است.

با این حال، مجموع شواهد می‌تواند نشان دهد که یقطین بغض و عداوتی با اهل بیت علیهم‌السلام نداشته و همان‌گونه که در گزارش‌ها آمده، به ایشان ارادت و محبت داشته است (نک. خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۱۶۹). این گمانه آن هنگام بیشتر قوت می‌گیرد که بینیم بسیاری از عقبه‌ی خاندان یقطین در سلسله راویان احادیث معصومان علیهم‌السلام قرار می‌گیرند. البته این موضوع نمی‌تواند نقشی در تشیع شخص یقطین بن موسی داشته باشد، اما می‌تواند نشان دهد که خاندان او نقش فعالی در نشر روایات و معارف امامیه داشته‌اند.

به گواهی علمای رجال، غیر از فرزندان یقطین - به‌ویژه علی و عبید - در میان نوادگان یقطین، شخصیت‌هایی همچون حسن بن علی بن یقطین، محمد بن عیسی بن عبید و یا قاسم بن حسن بن علی بن یقطین از نظر جایگاه علمی، فقهی و کلامی برجسته‌تر از سایرین هستند و در شمار افرادی قرار دارند که هر کدام نقش مؤثری در پیشبرد مکتب امامیه داشته‌اند. همچنین موالیان این خاندان در این مسیر نقش قابل توجهی دارند، به‌ویژه یونس بن عبدالرحمان که جزو مهم‌ترین موالیان این خانواده به‌شمار می‌آید و نقش مهمی در جریان‌های کلامی نخستین امامیه دارد.

در یک نگاه کلی مهم‌ترین شخصیت‌های این خاندان را می‌توان در شجره‌ای به شکل زیر نشان داد:

نمودار (۱): مهم‌ترین شخصیت‌های خاندان یقطین



۱-۲. علی بن یقطین

پس از سرسلسه‌ی این خاندان، برجسته‌ترین شخصیت این دودمان علی بن یقطین (۱۲۴- ۱۸۲ ق) است. منزلت والای علی بن یقطین نزد امام تا آنجاست که رجالیان وی را فقیه، متکلم، ثقه، جلیل‌القدر و مورد اعتماد توصیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵، رقم ۹۱؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۰، رقم ۲۸۹؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۰).

علی بن یقطین در سال ۱۸۲ هجری قمری و در سن ۵۷ سالگی در بغداد، در حالی که امام کاظم علیه السلام در زندان هارون به سر می‌برد، از دنیا رفت و پس از فوت وی، محمد امین - ولیعهد هارون الرشید - بر پیکر او نماز خواند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۰، رقم ۳۸۹). امام صادق علیه السلام علی بن یقطین را اهل بهشت دانستند و نسبت به جایگاه او در جهان آخرت ضمانتی معنوی دادند (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۳۰).

۱-۳. حسن بن علی بن یقطین

از دیگر افراد سرشناس این خاندان می‌توان به حسن بن علی بن یقطین اشاره نمود. رجالیان شیعه وی را ثقه (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۴) فقیه و متکلم (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵، رقم ۹۱) گفته‌اند. در منابع رجالی هیچ روایتی که دال بر قدح و ذم او باشد، نقل نشده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵، رقم ۹۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۵).

۱-۴. قاسم بن حسن بن علی بن یقطین

قاسم یقطینی فرزند حسن بن علی بن یقطین نیز همانند پدر و جد خویش، در شمار عالمان، محدثان و راویان مطرح شیعه محسوب می‌شود. از جزئیات زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست؛ اما می‌دانیم که وی به قم مهاجرت کرد و در آن دیار سکونت گزید (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۶، رقم ۸۶۵). بعید نیست شهرت علمی و فضای مذهبی و سیاسی قم به‌عنوان شهری شیعه‌نشین، در هجرت او به قم دخالت مستقیم داشته باشد.

نکته‌ی مهم در شرح حال وی آن است که برخی وی را از غالیان به‌شمار آورده‌اند. اما بعید نیست امثال شیخ طوسی بر اساس یکسان‌انگاری قاسم یقطینی با قاسم بن حسن شعرانی یقطینی قمی، قاسم بن حسن بن یقطین را به غلو متهم کرده باشند (طوسی،

۱۴۱۵ق، ص ۳۹۰؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۸۹). با این حال، عده‌ای از رجال‌پژوهان معاصر بر پایه‌ی شواهدی، در اتحاد این دو تردید کرده (شوشتری، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۴۶۷) و بر پایه‌ی قواعد رجالی، او را در ردیف محدثانِ حَسَن به‌شمار آورده‌اند، نه ضعیف (مامقانی، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۴۷۵).

۱-۵. عبید بن یقظین

از دیگر فرزندان یقظین باید به عبید بن یقظین اشاره کرد. وی کوفی است، ولی در شرح حال وی نوشته‌اند: به دنبال اختلاف پدرش با مروان بن محمد، همراه مادر و برادرش علی به مدینه فرار کرد و هنگامی که بنی‌عباس بر مسند خلافت نشستند، به کوفه بازگشت (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۰، رقم ۳۸۹). وی صاحب دو نوه به نام‌های محمد بن عیسی بن عبید و جعفر بن عیسی بن عبید است که از بزرگان و اصحاب قابل اعتماد امامیه محسوب می‌شوند.

۱-۶. محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین

محمد بن عیسی بن عبید از شخصیت‌های پرکار خاندان یقظین به‌شمار می‌آید. او از شاگردان یونس بن عبدالرحمان بود و نقش مهمی در انتقال میراث فکری مدرسه کوفه به قم و بغداد داشت. محمد بن عیسی دوران امامت امام رضا علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۷، رقم ۵۴۶۴)، جواد الائمه علیه السلام (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۳، رقم ۱۸۹۶)، امام هادی علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۱، رقم ۵۷۵۸) و امام حسن عسکری علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰۱، رقم ۵۸۸۷) را درک کرده است.

۱-۷. جعفر بن عیسی بن عبید بن یقظین

۱-۸. موسی بن عیسی بن عبید بن یقظین

دیگر برادران محمد، جعفر بن عیسی و موسی بن عیسی نیز در زمره‌ی راویان حضرت رضا علیه السلام شماره شده‌اند (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۳ و ۳۹۱). آنچه‌آن که در برخی گزارش‌های تاریخی آمده است: امام رضا علیه السلام برای محمد بن عیسی و برادرش موسی بن عبید و یونس بن عبدالرحمان اموالی فرستادند تا از جانب ایشان حج به جای آورند (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۴۰). برخی از رجال‌پژوهان این روایت را شاهده‌ی بر عدالت

همه‌ی افراد مطرح شده در روایت و توثیق آنان دانسته‌اند (استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۳۵۵).

افراد این خاندان البته بسیار بیش از آن هستند که ذکر شد؛ اما افراد حاضر مهم‌ترین شخصیت‌های این خاندان در حوزه‌ی پژوهش حاضر به حساب می‌آیند. شاهد این ادعا را می‌توان در ادامه با عنایت به اطلاعات و آماری که از روایات و آثار و کتب و شاگردان فکری آن‌ها مطرح می‌شود، ملاحظه نمود.

اما همان‌گونه که اشاره شد، در کنار افراد شاخص این دودمان، نباید از موالیان آنان غفلت کرد؛ زیرا آنان نیز همپای صاحبان خویش، نقش مؤثری در نقل و انتقال میراث فکری امامیه داشتند. در این میان، یونس بن عبدالرحمان بیش از سایرین برجسته است. در اسناد متعدد، از یونس با عناوینی همچون «مولى آل یقطین» یاد شده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۴۶ و ۳۶۸). یونس از طریق این انتساب، در حوزه‌های علمی جایگاهی خاص پیدا کرده بود (نک. حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۹۸؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۴) و به‌ویژه در عرصه‌ی کلام، در شمار متکلمان نظریه‌پرداز مدرسه‌ی کوفه و از شارحان برجسته‌ی اندیشه‌ی هشام بن حکم به حساب می‌آید (رضایی، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

۲. جایگاه اجتماعی و ارتباط خاندان یقطین با امامان شیعه

برخی مطالعات نشان داده‌اند ارتباطات سیاسی اجتماعی این خاندان، به‌ویژه ارتباط نزدیک اعضای این خاندان با امامان شیعه علیهم‌السلام، همراه با فعالیت‌های سیاسی و حدیثی آنها، زمینه‌ساز تأثیری عمیق در فرهنگ و جامعه‌ی شیعه شد (جعفرنیا، ۱۳۹۴، ص ۸۷-۱۰۸). از آن میان، می‌توان به این اشخاص اشاره کرد:

۱-۲. یقطین بن موسی

او ارتباطات سیاسی و اجتماعی و جایگاهی سیاسی در نهضت عباسیان داشت. وی را از دُعات عباسیان در روزگار مروانیان شمرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۰، رقم ۳۸۹). گزارش‌های موجود نشان می‌دهد او نقش مؤثری در رساندن عباسیان به قدرت داشته و با هوشمندی توانسته بود ابوالعباس سفاح را به حکومت برساند (ابن‌کثیر، ۱۳۵۱ق، ج ۱۰،

ص ۱۸۹). آن‌گونه که نقل شده، وی مأموریت‌های حساس دولتی همچون تعمیر مسجدالحرام و سرکوب قیام شهید فخر را به انجام رسانده است (طبری، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۰ و ۴۲۰).

وابستگی یقطین به دستگاه عباسیان، اگرچه در نگاه نخست، ارتباط او با امامان شیعه علیهم‌السلام را تحت الشعاع قرار می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ق، ص ۳۰۲)، اما گزارش‌های حاکی از ارتباط مخفیانه‌ی وی با امام صادق علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۰، رقم ۳۸۹) این گمانه را تقویت می‌کند که احتمالاً برخی از فعالیت‌های او به‌عنوان نوعی «تقیه» انجام گرفته باشد.

۲-۲. علی بن یقطین

دیگر شخصیت برجسته‌ی این خاندان، از چهره‌های سیاسی - مذهبی دوران عباسی به‌شمار می‌رفت. وی دست‌کم چهار خلیفه از خلفای عباسی به نام‌های منصور، مهدی، هادی و هارون را درک کرد و برخی از مناصب عالی، همچون نگهبانی‌مهر خلافت و یا وزارت را در دوره‌ای از دوره‌های مختلف این خلفا به‌عهده داشت (طبری، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۱ و ۴۰۸).

با این‌همه، نمی‌توان وی را دل‌باخته‌ی قدرت و وابسته به عباسیان دانست. بر اساس آنچه در اسناد متعدد تاریخی وجود دارد، علی بن یقطین با اجازه و راهنمایی امام کاظم علیه‌السلام به دستگاه عباسی راه پیدا کرد، مشروط به اینکه اساس کار وی ترحم و محبت به برادران دینی باشد (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۲، ص ۳۷۹). علی بن یقطین نیز بر همین اساس از موقعیت خود برای حمایت از شیعیان بهره برد و با شیوه‌ای که مرضی امام کاظم علیه‌السلام باشد، ثروت‌های آنان را در دستگاه عباسیان حفظ و به آنها بازمی‌گرداند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۱۰). وی مبالغ قابل توجهی از ثروت خود را به سوی امام می‌فرستاد و در موارد فقهی به توصیه‌ی مستقیم امام عمل می‌کرد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۱۰).

امام کاظم علیه‌السلام نیز بارها از او حمایت کرده (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۲۵) و نقش وی را در دفاع از حقوق شیعیان ستوده‌اند (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۳۵ و ۷۳۳ و ۵۴۶؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۱۰). این فعالیت‌ها نشان می‌دهد او همچون وکیل امام کاظم علیه‌السلام در دستگاه خلافت فعالیت می‌کرده است.

هرچند بررسی تعامل عمیق و پیچیده‌ی سیاسی علی بن یقطین با فعالیت‌ها و جریان‌های کلامی آن دوره موضوعی حایز اهمیت فراوان است، اما بررسی تحلیلی و مشروح این ارتباط تنگاتنگ به علت محدودیت حجم، از حوصله‌ی این مقاله خارج است و مجال مستقل برای پژوهشی تفصیلی تر می‌طلبد.

۲-۳. عبید بن یقطین

کنشگری‌های سیاسی البته در فرزند دیگر یقطین، عبید بن یقطین نیز وجود داشت. آن‌گونه که از گزارش برخی منابع تاریخی برمی‌آید، عبید بن یقطین در کنار پدرش در سپاه موسی هادی - خلیفه‌ی عباسی - در جنگ با حسین بن علی (شهید فخ) شرکت داشته است (طبری، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۲؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ق، ص ۳۷۸).

۲-۴. حسن بن علی بن یقطین

بعد از علی و عبید، نقش سیاسی این خاندان کمتر شد و در عوض، منزلت علمی افراد این خاندان بیشتر خود را نشان داد؛ مثلاً، حسن بن علی بن یقطین اگرچه همانند پدر جایگاه و منزلتی سیاسی نداشت، اما روایتگری احادیث امام کاظم و امام رضا علیهما السلام از وی نقش برجسته‌ای در انتقال معارف دینی و در میراث فکری خاندان یقطین به جای گذاشت. بر پایه‌ی همین نقش و ارتباط علمی با امام است که رجالیان شیعه وی را در شمار فقها و متکلمان این خاندان شمرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵ رقم ۹۱).

۲-۵. محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین

وی نیز کنش سیاسی خاصی نداشت، اما یکی از شناخته‌شده‌ترین راویان احادیث امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام بود. رجالیان شیعه محمد بن عیسی را بلندمرتبه و ثقة دانسته و با القابی همچون «جلیل فی اصحابنا»، «ثقة»، «عین»، «کثیر الروایه» و «حسن التصانیف» ستوده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۳، رقم ۸۹۶). این در حالی است که برخی همانند شیخ صدوق، به تبع ابن ولید، منفردات محمد بن عیسی بن عبید را از یونس بن عبدالرحمان استثنا کرده و غیرقابل اعتماد دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۳، رقم ۸۹۶).

وی تنها راوی روایات امامان علیهم‌السلام نیست، بلکه عناوین آثار وی نشان می‌دهد وی در مبارزه با جریان واقفیه و روشن‌سازی مفهوم «امامت» تلاش‌هایی داشت. این حرکت‌های اجتماعی - کلامی را در ادامه بیشتر بررسی خواهیم کرد.

۲-۶. قاسم یقطینی

وی نوه علی بن یقطین، یکی دیگر از شخصیت‌های نام‌بردار این خاندان و از ناقلان برجسته‌ی احادیث امامان علیهم‌السلام و دارای نقش برجسته‌ای در تداوم دیدگاه‌های کلامی خاندان یقطین است. آن‌گونه که نوشته‌اند، وی از شاگردان امام رضا و امام هادی علیهم‌السلام بود و از امام رضا علیه‌السلام روایت نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۰). اما عجیب است که در مصادر اصلی شیعه، خبری از ارتباط قاسم یقطینی با امام جواد علیه‌السلام وجود ندارد. آن‌گونه که از گزارش‌ها برمی‌آید، وی در دوران حیات مبارک امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز در قید حیات بوده است (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲ ص ۸۰۲).

۲-۷. دیگر افراد خاندان یقطین

مراوده با امامان شیعه علیهم‌السلام و نقل روایات از آنها البته تنها منحصر در این چند تن از خاندان یقطین نیست، دیگر فرزندان و نوادگان یقطین بن موسی نیز از جمله ناقلان احادیث و فعالان شیعی بودند که منابع تاریخی به برخی فعالیت‌های حدیثی و کلامی آنان اشاره کرده‌اند. اما اطلاعات دقیقی درباره‌ی میزان تأثیر آنان در منابع درج نشده است.

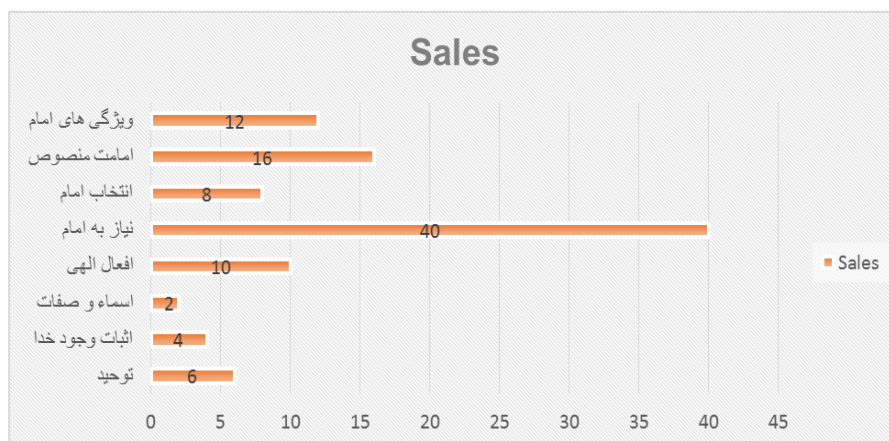
برای نمونه، رجالیان شیعه جعفر بن عیسی بن عبید را از راویان و از اصحاب امام رضا علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۸۹-۷۹۰، رقم ۹۵۵)، حسین بن علی بن یقطین را از اصحاب امام رضا علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۵)، یعقوب بن یقطین را از اصحاب امام رضا علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۹)، خُزیمه بن یقطین را از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۳۶)، ادریس بن یقطین را از اصحاب امام رضا علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۲) و احمد بن اسماعیل بن یقطین را از اصحاب امام هادی علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸۳) دانسته‌اند.

۲-۸. یونس بن عبدالرحمان

اما یونس بن عبدالرحمان، از موالیان این خاندان، مستقیم از امام کاظم و امام رضا علیهما السلام روایت نقل کرده است. امام رضا علیه السلام حتی در مواردی، یونس را به شیعیان معرفی نمودند تا مسائل دینی و اعتقادی را از او فرا گیرند (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۸۹-۷۹۰، رقم ۹۵۵). این جایگاه علمی و اعتماد گسترده امامان، یونس را به یکی از برجسته‌ترین دانشمندان امامیه تبدیل کرد و نشان‌دهنده نقش کلیدی او در انتقال علوم اهل بیت علیهم السلام بود.

جدول زیر میزان روایت‌گری و موضوعات آن را در نسبت با اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد (برگرفته از: جعفرنیا، ۱۳۹۲، ص ۶۰).

جدول (۱): میزان روایت‌گری و موضوعات آن در نسبت با اهل بیت علیهم السلام



باری، نقش سیاسی برخی از افراد این خاندان در اداره‌ی دستگاه عباسی با رویکرد تقیه (مانند اقدامات علی بن یقطین) و انتقال احادیث از امامان علیهم السلام و نشر معارف شیعی مانند فعالیت‌های حدیثی محمد بن عیسی و حسن بن علی و مبارزه‌ی علمی و عملی با جریان‌های مخالف امامیه (همانند واقفه، غالیان، و عباسیان) موجب شد تا خاندان یقطین در حافظه‌ی تاریخی شیعه به‌عنوان یکی از خاندان‌های مقوم و حامی امامیه شناخته شوند.

در ادامه، بر تحلیل سهم این خاندان در پویش‌های فکری و کلامی امامیه تمرکز خواهیم کرد. شایان ذکر است که بررسی نقش خاندان یقطین در مواجهه و تعامل با جریان‌های کلامی معاصر خود، نظیر آل‌اعین، محدثان مدرسه‌ی قم، یا جریان‌های معتزله، از ابعاد مهم و قابل توجهی است که می‌تواند به درک عمیق‌تری از جایگاه این خاندان در فضای فکری آن دوره منجر شود. با این حال، به سبب محدودیت حجم مقاله‌ی حاضر، تحلیل تفصیلی این تعاملات از حوصله‌ی بحث کنونی خارج است و مجال مستقلی برای پژوهش‌های آتی می‌طلبد.

۳. فعالیت‌های کلامی در خاندان یقطین

در ادامه خواهیم دید که بیشترین تلاش‌های کلامی خاندان یقطین در بازه‌ی زمانی مدرسه‌ی کلامی کوفه و قم (یعنی حوالی سال‌های ۸۰ به بعد) شکل گرفته است. متکلمان این دوران همچون سایر متکلمان می‌کوشیدند پس از فهم و استنباط آموزه‌های اعتقادی در فقه اکبر، آنها را تبیین نمایند. این عملکرد و یا کاربرد، البته گونه‌های مختلفی در مدرسه‌ی کوفه به خود دید (اقوام کرباسی، ۱۳۹۱، ص ۴۴-۴۵).

گروهی از راویان روایات اعتقادی ترجیح می‌دادند مفاهیم کلامی را تنها در چارچوب احادیث ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام تفسیر کنند. اینان به جای نظریه‌پردازی‌های عقلانی در عرصه‌ی تبیین معارف، هرگز از سطح مفاهیم و نظام معرفتی منابع دینی فراتر نمی‌رفتند و عملکرد خود را به همان مضامین و مفاهیم مندرج در دستگاه و حیانی محدود می‌دیدند. در واقع روش آنها در تبیین مضامین اعتقادی، گونه‌ای تفسیر درون‌متنی بود که حتی در انتخاب واژگان، آنها را به زبان قرآن و حدیث وفادار می‌ساخت. این جریان را با عنوان «محدثان متکلم» یا «متکلمان متن‌محور» معرفی کرده‌اند و افرادی همانند ابان بن تغلب، ابوبصیر و محمد بن مسلم (منصوری‌راد، ۱۳۹۴، ص ۷۱-۸۹) را به‌عنوان نمونه‌های بعدی این رویکرد می‌توان در آثار شیخ صدوق در مدرسه‌ی کلامی قم مشاهده کرد که حتی در نگارش اعتقادات خویش، می‌کوشید از متن روایات فراتر نرود و تنها به نقل آنها بسنده کند (نک. صدوق، ۱۳۹۱ق).

نکته‌ی قابل توجه آنکه این رویکرد در زمانه‌ی خود به «کلام» و تکلم شهره نبود و ای بسا با رویکردی غیر از آنچه مطرح شد نیز همراهی و همرویی مناسبی نداشت. در مقابل، جریان دیگری در کوفه‌ی سده‌ی دوم وجود داشت که هرچند مانند جریان پیشین در پی تبیین عناصر فکری امامیه بود، اما این فعالیت را با استفاده از تبیین‌های برون‌متنی انجام می‌داد. این جریان می‌کوشید با استفاده از مضامین و مفاهیم سایر دستگاه‌های معرفتی زمانه، به تبیین و تفسیر آموزه‌های اعتقادی پردازد و به بیان دیگر، در جهت تبیین مضامین اعتقادی نظریه‌پردازی کند. این جریان و متکلمان آن مانند هشام بن حکم، مؤمن الطاق و هشام بن سالم را به همین سبب «متکلمان نظریه‌پرداز» خوانده‌اند (اقوام کرباسی، ۱۳۹۱، ص ۴۵).

نمونه‌های پسینی این رویکرد را نیز می‌توان بعدها در مدرسه‌ی کلامی بغداد یافت؛ اندیشمندانی همانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و مانند او که در کلام‌ورزی‌های خویش، از این رویکرد تبعیت کرده‌اند (نک. مفید، ۱۴۱۴ق؛ سید مرتضی، ۱۳۸۱؛ ۱۳۷۶؛ طوسی، ۱۴۰۶ق؛ ۱۳۵۸).

خاندان یقطین به‌واسطه‌ی جایگاه علمی و نقشی که در تقویت مبانی کلامی شیعه ایفا کردند، سهم ویژه‌ای در این عرصه به خود اختصاص دادند و توانستند در حد خود، اصول امامیه را در عرصه‌های مختلف علمی و اعتقادی تثبیت کنند. این را می‌توان از تألیف آثار علمی در موضوعات مختلف کلامی یا حضور در مناظرات کلامی و دفاع از عقاید در مواجهه‌ی فکری با جریان‌های انحرافی یا توسعه‌ی گفتمان‌های کلامی که عمدتاً در قالب روایتگری احادیث اعتقادی شکل گرفته یا حتی پرسشگری‌های اعتقادی از ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و یا ردیه‌نویسی‌های متعدد بر معتقدات جریان‌های مخالف دریافت. این سخن به آن معناست که باید نشان داد این خاندان در جریان متکلمان نظریه‌پرداز چه نقشی ایفا کرده‌اند؟ کدام آثار کلامی را نگاشته‌اند؟ چه ردیه‌هایی بر جریان‌های فکری آن دوران نوشته‌اند؟ و چه بخشی از روایات اعتقادی در موضوعات مختلف از سوی این خاندان نقل شده است؟

۳-۱. کتاب «مسائل عن ابی الحسن موسی بن جعفر»

در اسناد تاریخی، گزارشی دال بر فعالیت‌های کلامی یقظین بن موسی در اختیار نداریم؛ اما همین مصادر درباره‌ی فرزندش علی، به نکات ارزشمندی اشاره کرده‌اند. فهرست‌نگاران از چند کتاب نام می‌برند که از نظر آنان به علی بن یقظین منسوب است؛ از جمله: کتاب مسائل عن ابی الحسن موسی بن جعفر (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۱، رقم ۳۸۹). نجاشی نیز خبر داده که علی بن یقظین از امام صادق (ع) یک حدیث روایت کرده، اما از امام موسی کاظم (ع) روایات زیادی را نقل کرده و کتابی به نام مسائله دارد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۷۳، رقم ۷۱۵). بعید نیست این کتاب همان مسائل عن ابی الحسن موسی بن جعفر باشد که دیگران از آن یاد کرده‌اند. به احتمال زیاد، این کتاب محصول پرسشگری‌های علی بن یقظین است که از محضر امام کاظم (ع) پاسخ گرفته است. در اینکه موضوعات این کتاب مسائل اعتقادی است یا فقهی، اطلاعی در دست نداریم؛ اما عنوان این دو کتاب به خوبی نشان می‌دهد علی بن یقظین فردی پرسشگر و اهل تفکر بوده و بدون تحقیق، کلام و یا حتی حدیثی را از امام (ع) قبول یا نقل نمی‌کرده است.

۳-۲. کتاب «مناظره الشاک بحضرت»

کتاب دیگری که در منابع به علی بن یقظین منسوب شده مناظره الشاک بحضرت (ع) نام دارد. به نظر می‌رسد این کتاب حکایت مناظره‌ی علی بن یقظین با یکی از شکاکان در حضور امام صادق (ع) باشد (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۱، رقم ۳۸۹). اگر این احتمال را بپذیریم لاجرم باید اذعان کنیم که مناظره در حضور امام و دفاع از عقاید، می‌تواند نشان‌دهنده‌ی قدرت علمی و استدلالی علی بن یقظین و یکی از شواهد برای فعالیت‌های کلامی وی قلمداد شود.

فعالیت‌های کلامی علی بن یقظین، به‌ویژه در زمینه‌ی پرسشگری اعتقادی و مشارکت در مناظرات، نشان‌دهنده‌ی ورود این خاندان به عرصه‌ی مباحث کلامی بود. این مسیر در نسل بعدی این خاندان، به‌ویژه توسط فرزندش حسن ادامه یافت و ابعاد جدیدی به خود گرفت.

پس از علی فرزندش حسن مهم‌ترین شخصیت کلامی این خاندان به حساب می‌آید. همان‌گونه که پیش‌تر هم نشان داده شد، رجالیان شیعه وی را متکلم دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵، رقم ۹۱). با این‌همه، رویکرد کلامی او با جریان غالب کلامی آن دوران متفاوت است. درواقع وی را باید از جریان متکلمان متن‌محور کوفه دانست. این را می‌توان از گزارش‌های مبنی بر عدم موافقت و همراهی حسن بن علی بن یقطین با یونس بن عبدالرحمن دریافت (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۵۲).

به‌واقع عدم همراهی حسن بن علی با استادش، یونس بن عبدالرحمان که شاخص و معیار جریان کلامی نظریه‌پرداز در کوفه بود، می‌تواند حاوی این پیام باشد که حسن بن علی بن یقطین با اینکه همچون یکی از متکلمان کوفه سده‌ی دوم معرفی شده، اما شیوه‌ی متکلمان نظریه‌پرداز کوفه را دنبال نمی‌کند، بلکه در شمار محدثان متکلم کوفی جای می‌گیرد.

این گزارش به خوبی می‌رساند که اختلاف حسن بن علی بن یقطین با استادش، یک کشمکش فردی نبوده، بلکه گزارش یک ناسازگاری در روش‌شناسی فهم و استنباط است که یونس و خط کلامی هشام بن حکم به آن تعلق خاطر داشتند. پشتیبان این تحلیل، نقل روایت از یونس توسط حسن بن علی بن یقطین است که می‌تواند حاوی این پیام باشد که اختلاف گزارش‌شده اختلافی در حوزه‌ی روش‌شناسی فهم و استنباط مضامین اعتقادی است و نه اختلاف در اصل و حقیقت محتوای اعتقادات.

این برداشت از سوی دیگری هم تأیید می‌شود: فقدان گزارش‌هایی درباره‌ی مناظره‌ها یا نظریه‌پردازی‌های اعتقادی در مصادر اصلی از سوی حسن بن علی بن یقطین، این احتمال را که اختلاف مشا‌ئله به برخی از نظریه‌پردازی‌های یونس بن عبدالرحمان بازمی‌گردد، کم‌رنگ و تا حد زیادی بی‌اعتبار می‌کند.

بعید نیست پرسشگری‌های حسن بن علی بن یقطین از امام نیز از سر همین رویکرد بوده باشد؛ رویکردی که عمدتاً از سوی جریان محدثان متکلم کوفی دنبال می‌شد. با این حساب، باید احتمال قوی داد که کتاب مسائل عن موسی بن جعفر رضی الله عنه از حسن، درواقع همین مسائلی است که وی جمع‌آوری کرده و از خود به یادگار گذاشته است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۵، رقم ۱۶۶).

همان‌گونه که مشاهده شد، حسن بن علی بن یقطين را می‌توان در زمهری «محدثان متکلم» کوفه دسته‌بندی کرد. با این حال، سهم خاندان یقطين در پویش‌های کلامی آن دوره تنها به این جریان محدود نمی‌شود. برای درک کامل‌تر نقش این خاندان، لازم است به بررسی ارتباط و جایگاه برخی از اعضای آن در جریان دیگر، یعنی «متکلمان نظریه‌پرداز» اشاره کنیم که چهره‌های شاخصی همچون هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمان نمایندگان برجسته‌ی آن بودند.

۴. امتداد جریان متکلمان نظریه‌پرداز در خاندان یقطين

۴-۱. هشام بن حکم

هشام بن حکم برجسته‌ترین متکلم نظریه‌پرداز مدرسه کوفه بود که در تبیین مسائل کلامی فعالیت‌های کم‌نظیر داشت. وی را باید یکی از پایه‌گذاران اصلی جریان کلامی نظریه‌پرداز در امامیه دانست که در سامان‌دهی و تنقیح مباحث کلامی آن زمانه تلاش می‌کرد (نک. رضایی، ۱۳۹۱، ص ۹۲).

برتری هشام بن حکم بر سایر متکلمان آن دوران از آنجا هویدا می‌شود که او توانست مکتب کلامی پایداری ایجاد کند. برخی گزارش‌های موجود در مصادر نشان از تلاش‌های گسترده‌ی فکری و کلامی هشام دارد مبنی بر تولید آثاری همچون رساله‌های عقیدتی و مناظرات علمی یا تربیت و پرورش شاگردانی مثل یونس بن عبدالرحمان، فضل بن شاذان، ابومالک حضرمی، علی بن منصور و محمد بن خلیل سکا که در تاریخ کلام امامیه، به «اصحاب هشام» یا «هشامیه» شناخته می‌شوند (نک. رضایی، ۱۳۹۱، ص ۹۲).

۴-۲. یونس بن عبدالرحمان

در میان شاگردان هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمان چهره‌ای ممتاز شناخته می‌شود که نه‌تنها در مقام شیخ حدیث از محضر هشام بهره برد، بلکه بر اساس گزارش‌های منابع رجالی شیعه (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۴۲-۵۴۳، ش ۴۸۰) از ملازمان ویژه‌ی او در بغداد بود و در مناظرات کلامی وی را همراهی می‌کرد. این همراهی فکری که در آثار رجالی (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۳۰-۵۴۰، ش ۴۷۷) «میراث‌داری اندیشه‌های

هشام بن حکم» خوانده شده است، زمینه‌ساز انتقال نظام‌مند مکتب کلامی هشام به نسل‌های بعدی گردید. این مطلب را می‌توان از معرفی جریان فکری مستقلی با عنوان «یونسیه» یا «اصحاب یونس» در منابع فرقه‌شناختی (نک. شهرستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۸؛ بغدادی؛ ۱۹۹۴، ص ۶۰ و ۷۶-۷۷) حدس زد که نشان می‌دهد یونس نه تنها خط فکری و منهج کلامی هشام را تداوم بخشیده، بلکه با تربیت شاگردان متعدد، در پیدایش مدرسه و منهج کلامی مدرسه‌ی بغداد ایفای نقش کرده است.

همچنین امتداد خط فکری هشام در یونس، در کنار وجود جریان ممتازی همچون «یونسیه» می‌تواند حاکی از این واقعیت باشد که یونس به تقلید صرف از هشام بن حکم اکتفا نکرده، بلکه با تکیه بر مبانی او، به توسعه و تکمیل اندیشه‌های هشام در فضای فکری بغداد پرداخته است. این پیوستگی، هم در روش و هم در حوزه‌ی موضوعات اعتقادی (مانند توحید، امامت و عدل الهی)، میراث هشام را زنده نگه داشت.

گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد یونس بن عبدالرحمان در کنار هشام بن حکم به شکلی گسترده متهم به اعتقاد به تجسیم درباره‌ی خداوند شده‌اند. در این گزارش‌ها، بارها از امامان معصوم علیهم‌السلام درباره‌ی صحت دیدگاه‌های هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمان پرسش شده و حتی گاهی بحث به جواز نماز خواندن پشت سر کسانی که به این دیدگاه‌ها باور دارند و یا امکان پرداخت زکات به آنها، کشیده شده است (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵۲).

هشام بن حکم از نظریه‌ی «نص» و تعیین امامت توسط خدا دفاع می‌کرد و امامت را بر علم لدنی و عصمت مبتنی می‌دانست (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ - الف، ص ۱۳۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳ - ب، ج ۱، ص ۲۱۵). یونس بن عبدالرحمان نیز با هشام همراه بود و موضوع امامت را یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اعتقادی خود می‌دانست. این مطلب را می‌توان از حجم روایاتی دریافت که درخصوص این موضوعات نقل کرده است (نک. کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۹۰ و ۲۲۳ و ۲۸۵-۲۸۸ و ۳۰۷). از نکات قابل توجه آنکه وی بر خلاف هشام بن حکم ناقل روایاتی است که بر تحدیث و الهام به امام تأکید می‌کنند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۷۱).

همچنین در بحث «جبر و اختیار» هشام بن حکم با تبیین نظریه‌ی «أمر بین الأمرین» موضعی میانه در مسئله‌ی اختیار انسان اتخاذ کرد. گزارش‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد یونس نیز با تبیین هشام از این آموزه‌ی اعتقادی همراه بود و دیدگاه امثال زراره و برید در تبیین این مسئله و نقطه‌ی کانونی آن، یعنی استطاعت (اشعری، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۱۱۶) را به چالش کشیده است (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۵۷-۳۵۸).

گفت‌وگوی فضل با امام رضا^{علیه السلام} درباره‌ی دیدگاه یونس بن عبدالرحمان درخصوص اکتسابی یا غیراکتسابی بودن معرفت، نشان می‌دهد دیدگاه یونس همانند دیدگاه هشام بن حکم است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۴؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۵، ص ۳۳۷). بر اساس گفته‌ی اشعری، هشام بن حکم و همفکرانش معتقد بودند: تمام معرفت‌ها بر اساس ایجاب خلقت غیراکتسابی است؛ اما معرفت خدا در تحقق و وقوع، به نظر و استدلال نیاز دارد (اشعری، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۲۴).

در میان آثار یونس بن عبدالرحمان کتاب‌هایی گزارش شده که حاصل تلاش‌های کلامی اوست. وی کتابی به نام الإمامة دارد که در نوع خود یکی از نخستین آثار مستقل درباره‌ی امامت و جایگاه آن به‌شمار می‌آید (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۷-۴۴۸)؛ کتاب البداء، که در دفاع از اصل «بداء» در مقابل مخالفان نگارش شده (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۷-۴۴۸)؛ کتاب الرد علی الغلاة که یک فعالیت کلامی در رد غلات است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۷-۴۴۸)؛ و کتاب المثالب که به بیان ایرادهای فکری و اعتقادی مخالفان تشیع پرداخته است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۷-۴۴۸).

۳-۴. محمد بن عیسی بن عبید

امتداد خط فکری یونس را می‌توان در محمد بن عیسی بن عبید از افراد سرشناس خاندان یقطین دنبال کرد. وی از جمله شاگردان برجسته‌ی یونس بن عبدالرحمان (صدوق، بی تا - ب، ج ۴، ص ۴۵۰-۴۵۱) و از حلقه‌ی نزدیکان فکری او در بغداد بود که با عنوان «یونسی» شناسانده شده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۱ و ۴۰۱). این همرویی فکری را می‌توان با بررسی آماری نقل روایات تقویت نمود.

نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد: قریب ۶۰ درصد روایات یونس از طریق محمد بن عیسی بن عبید نقل شده و از آن سو، میزان مرویات محمد بن عیسی از یونس بن عبدالرحمان به مراتب، بیش از مرویات وی از سایر مشایخ اوست؛ چیزی قریب ۴۱ از مرویات. همچنین بیشترین گزارش‌های مدح یونس بن عبدالرحمان از طریق محمد بن عیسی بن عبید و فضل بن شاذان نقل شده است (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۸۱-۷۸۲) که می‌تواند شاهی بر این همراهی باشد. این توجه زمانی جلب توجه می‌کند که مشاهده می‌کنیم بیشترین روایات جرح زراة بن اعین - به عنوان خط فکری موازی با هشام بن حکم - نیز از سوی محمد بن عبید نقل شده است (مامقانی، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۴۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۴۹).

از جمله‌ی این همراهی‌های فکری می‌توان مسئله‌ی جنجالی و تعبیر «شیء لا کالأشیاء» درباره‌ی خداوند را مثال آورد که یکی از معتقدات برجسته‌ی هشام بن حکم و شاگردش یونس بن عبدالرحمان بود و محمد بن عیسی نیز به صراحت به آن اذعان می‌کرد و می‌کوشید با استناد به آیات قرآن، مسئله‌ی «شیء» بودن خدا را توجیه و مستدل کند (نک. صدوق، بی تا-الف، ص ۱۰۷، ج ۸)

چهره‌ی کلامی محمد بن عیسی یقظینی را می‌توان از روی نام برخی آثارش دریافت. وی کتابی به نام الامامة داشته (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۴) که از عنوان آن می‌توان گمان برد کتابی بوده است با موضوع امام‌شناسی و مسائل مربوط به امامت. همچنین فهرست‌نگاران از کتابی به نام المعرفة برای محمد بن عیسی نام برده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۴) که احتمالاً درباره‌ی معرفت و شناخت بوده است. نمی‌دانیم متعلق این معرفت، شناخت خداست یا ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، اما با توجه به کثرت استعمال این عنوان در مباحث توحیدی و امامت در آن دوره‌ی تاریخی، بعید نیست موضوع این کتاب هم چنین باشد، به‌ویژه که محمد بن عیسی در زمانی می‌زیست که موضوع امامت محل چالش و گفت‌وگوهای متعدد بین فرق اسلامی و هنگامه‌ی طرح شبهات زیادی در باب امامت بود. از این رو این احتمال را تقویت می‌کند که اثر مزبور بر محور امام‌شناسی بوده است.

آن‌گونه که از عنوان کتاب دیگر وی کتاب الواضح المكشوف فی الرد علی أهل الوقوف (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۴) برمی‌آید، این کتاب ردیه بوده و در تقابل با فرقه‌ی واقفیه نوشته شده است.

کتاب دیگر محمد بن عیسی، الأمل و الرجاء، اثری است که از برخی توصیفات درباره‌ی آن می‌توان حدس زد (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۱۲) مفاد آن روایاتی در باب فضیلت شیعیان است که به سبب قبول ولایت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام، مشمول عفو و رحمت الهی قرار می‌گیرند. این آثار نشان‌دهنده‌ی سویه‌های کلامی و اعتقادی محمد بن عیسی در کنار روایات اعتقادی اوست.

نکته‌ی قابل توجه آنکه محمد بن عیسی در کنار ابراهیم بن هاشم مهم‌ترین شخصیتی است که بخش قابل توجهی از آثار یونس و طبعاً خط فکری هشام را به مدرسه‌ی کلامی قم منتقل کرده است. اما محدثان قمی در مواجهه با این خط فکری، دو رویکرد متفاوت برگزیده‌اند: برخی مانند سعد بن عبدالله اشعری بارد و انکار دیدگاه‌های خاص این جریان، مانند نظریه‌ی «معنا» در بحث وجودشناسی صفات، دست به قلم شدند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۷) و برخی دیگر مانند علی بن ابراهیم بن هاشم در حمایت از دیدگاه وی رساله نوشتند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶۰). این رویکرد بعدها توسط کلینی، شاگرد علی بن ابراهیم در مدرسه‌ی کلامی بغداد نیز امتداد یافت.

۴-۴. جعفر بن عیسی بن عبید

چهره‌ی دیگری که در این رویکرد نباید آن را فراموش کرد - هرچند مانند یونس و محمد بن عیسی شاخص نیست - جعفر بن عیسی بن عبید، برادر محمد است. گزارش کشی از ملاقات جعفر بن عیسی و دیگر همراهانش از آل یقطین به همراه یونس بن عبدالرحمان با امام رضا علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۸۹-۷۹۰، رقم ۹۵۵) نشان می‌دهد وی نیز با تعداد دیگری از این خاندان سویه‌های اعتقادی و کلامی مشابهی با یونس بن عبدالرحمن داشته‌اند. بر اساس این گزارش، محور اصلی این جلسه، مخالفت‌ها و شایعات علیه یونس و همفکران اوست.

در این نقل، جعفر بن عیسی بن عبید به امام رضا علیه السلام شکایت می‌برد که گروهی آنان را به خاطر اعتقادات تکفیر کرده، زندیق می‌خوانند و از ایشان بیزاری می‌جویند. یونس نیز همین‌گونه به امام شکایت می‌کند که مخالفان او و همفکرانش را به زندیق بودن متهم می‌سازند.

امام رضا علیه السلام نیز در مقابل، با دعای خیر برای آنان و سخنان نیکو درباره‌ی علی بن یقطین، اعتقادات آنان را تأیید کرده، خاطر نشان می‌کنند: آنچه به‌عنوان شایعات مبنی بر مخالفت امام با اعتقادات آنان و زندیق دانستن ایشان نقل شده، سخنان دروغینی است که به امام نسبت داده‌اند. سپس امام برای آرامش و تسکین خاطر آنان یادآوری می‌کنند: اختلاف نظر در مسائل، تنها مختص آنان نیست، بلکه یاران امام زین‌العابدین، امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام نیز به چنین ابتلائاتی دچار شده بودند، و این‌گونه به یونس و جعفر دل‌داری می‌دهند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی سهم خاندان یقطین در جریان‌های کلامی سده‌ی دوم هجری و با تأکید بر نقش آنها به‌عنوان یک نهاد فکری، نشان داد تمرکز صرف بر شخصیت‌های منفرد یا مدارس کلامی، تصویری ناقص از پویایی‌های فکری امامیه در آن دوره ارائه می‌دهد. یافته‌های این تحقیق با بررسی چندلایه (فردی، نهادی و محتوایی)، این فرضیه را تقویت می‌کند که خاندان یقطین نه تنها مجموعه‌ای از افراد برجسته، بلکه به‌مثابه‌ی یک «نهاد فکری چندنسلی» عمل کرده‌اند که در شکل‌دهی و پیشبرد گفتمان کلامی امامیه نقشی محوری ایفا کرده‌اند.

در سطح فردی، تنوع رویکردها در میان اعضای شاخص این خاندان قابل توجه است. در حالی که شخصیت‌هایی مانند علی بن یقطین با تلفیق هوشمندانه‌ی جایگاه سیاسی و ارتباط عمیق با ائمه‌ی اطهار علیهم السلام، الگویی از «عالم - سیاستمدار کلامی» را به نمایش گذاشتند که از موقعیت خود برای حمایت از شبکه‌ی شیعی و تبیین معارف اعتقادی بهره می‌بردند - چنان که در آثار منسوب به ایشان مانند مسائل عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام و مناظره‌ی الشاک بحضرت علیه السلام بازتاب یافته - شخصیت‌هایی همچون حسن بن علی بن یقطین بیشتر بر رویکرد روایت‌محور در کلام تأکید داشتند.

در مقابل، مولای برجسته‌ی این خاندان، یونس بن عبدالرحمان، به‌عنوان یکی از پیشگامان نظریه‌پردازی کلامی شناخته می‌شود. این تنوع درونی، نه‌تنها نشان‌دهنده‌ی گستره‌ی فعالیت‌های کلامی این خاندان است، بلکه حاکی از آن است که این نهاد فکری توانسته بود رویکردهای مختلف را در خود جای داده، از ظرفیت‌های گوناگون برای پیشبرد اهداف کلامی امامیه استفاده کند.

در سطح نهادی، خاندان یقظین با ایجاد شبکه‌ای منسجم از راویان، متکلمان و حتی فعالان سیاسی، سازوکاری پایدار برای انتقال و دفاع از میراث کلامی امامیه فراهم آوردند. این شبکه، به‌ویژه در مواجهه با جریان‌های انحرافی (مانند واقفه و غالیان)، نقش یک «سد دفاعی فکری» را ایفا کرد. انتقال میراث کلامی کوفه به قم توسط افرادی همچون محمد بن عیسی بن عبید، نمونه‌ای بارز از نقش نهادی این خاندان در تداوم و جغرافیایابی دانش کلامی امامیه پس از عصر حضور ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام است.

تعاملات عمیق و هدفمند این خاندان با ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، به‌ویژه امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام، که فراتر از صرف نقل حدیث و در قالب پرسش‌های اعتقادی دقیق و دریافت پاسخ‌های تبیینی صورت می‌گرفت، نشان‌دهنده‌ی مشارکت فعال این نهاد فکری در فرایند تولید و پالایش دانش کلامی تحت هدایت معصوم است.

در بعد محتوایی، هرچند آثار کلامی مستقل و منسوب به این خاندان به‌طور کامل در دست نیست، اما شواهد موجود (مانند مناظره‌ی الشاک بحضرت علیه‌السلام و روایات کلامی منقول از ایشان) نشان می‌دهد که این خاندان نسبت به جریان‌های فکری رقیب حساسیت بالایی داشت و در پی تبیین و دفاع عقلانی و نقلی از مبانی اعتقادی امامیه بود. رویکرد آنها در مواجهه با شبهات و انحرافات، ترکیبی از استناد به نص معصوم و بهره‌گیری از استدلال بود که نشان‌دهنده‌ی جایگاه آنان در مرز میان دو جریان اصلی کلامی آن دوره است.

نکته‌ی حایز اهمیت آنکه وابستگی برخی اعضای این خاندان به دستگاه خلافت عباسی، نه به معنای انحراف، بلکه به‌مثابه‌ی «راهبرد تقیه‌ی نظام‌مند» قابل تحلیل است. این راهبرد به خاندان یقظین امکان داد تا در شرایط دشوار سیاسی، ضمن حفظ موجودیت و

نفوذ، به حمایت از جامعه‌ی شیعه و پیشبرد اهداف فکری و کلامی آن پردازند. این خود می‌تواند به‌عنوان بخشی از الگوی مفهومی «نهاد فکری چندوجهی» این خاندان در نظر گرفته شود که همزمان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، حدیثی و کلامی فعال بوده است.

در نهایت، این پژوهش با برجسته کردن نقش خاندان یقطین به‌عنوان یک نهاد فکری تأثیرگذار، بر ضرورت بازنگری در تاریخ‌نگاری کلام امامیه تأکید کرد. مطالعه‌ی خاندان‌ها به‌مثابه‌ی واحدهای تحلیلی، می‌تواند لایه‌های پنهان‌تری از پویایی‌های فکری، شبکه‌های علمی و راهبردهای بقا و گسترش اندیشه‌ی امامیه را آشکار سازد و تصویری جامع‌تر از سیر تکوین کلام شیعه در سده‌های نخستین ارائه دهد. این رویکرد می‌تواند یک الگوی مفهومی برای مطالعه‌ی سایر خاندان‌های علمی شیعه در دوره‌های مختلف نیز به‌شمار آید.

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۵۱ق). البداية و النهاية. مصر: مكتبة السعادة.
۳. ابن ندیم بغدادی، محمد بن ابی یعقوب (بی تا). فهرست ابن الندیم. تحقیق رضا تجدد. بی جا: بی نا.
۴. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین (۱۳۸۵ق). مقاتل الطالبین. تقدیم و إشراف کاظم المظفر. النجف الأشرف - قم: منشورات المكتبة الحیدریة - دار الكتاب.
۵. _____ (۱۹۹۴). الأغانی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق). منهج المقال. تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لاهیات التراث. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاهیات التراث.
۷. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰). المقالات والفرق. تصحیح محمدجواد مشکور. تهران: علمی و فرهنگی.
۸. اشعری، علی بن اسماعیل (۱۹۹۹م). مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین. تصحیح محمد محیی الدین عبدالحمید. صیدا، لبنان: المكتبة العصرية.
۹. اقوام کرباسی، اکبر (۱۳۹۱). مدرسه کلامی کوفه. نقد و نظر، ۶۵، ۳۸-۶۵.
۱۰. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۹۹۴). الفرق بین الفرق. تعلیق ابراهیم رمضان. بیروت: دار المعرفة.
۱۱. جعفرنیا، فاطمه (۱۳۹۲). تأثیر خاندان یقطین در حدیث گرابی شیعه. پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۱۲.
۱۲. _____ (۱۳۹۴). نقش سیاسی خاندان یقطین در تاریخ تشیع. تاریخ اسلام، ۶۲.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۴. _____ (۱۴۱۷ق)، خلاصة الأقوال. تحقیق جواد القیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهة.
۱۵. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. ایران: بی جا: بی نا.
۱۶. رضایی، محمدجعفر (۱۳۹۱). امتداد جریان فکری هشام بن حکم. نقد و نظر، ۶۵، ۹۱-۱۱۰.

۱۷. سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۳۷۶). الذریعه. تصحیح ابوالقاسم گرجی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. _____ (۱۳۸۱). الملخص فی أصول الدین. تحقیق محمدرضا انصاری قمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۹ق). قاموس الرجال. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۰. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی‌تا). الملل و النحل. تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت: دار المعرفة.
۲۱. شهید اول، محمد بن جمال‌الدین عاملی. (۱۴۱۹ق)، ذکری الشیعه. تحقیق مؤسسه آل‌البیته (ع). قم: مؤسسه آل‌البیته (ع).
۲۲. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ق). الأمالی. تحقیق مؤسسه البعثه. قم: مؤسسه البعثه.
۲۳. _____ (۱۴۰۳ق - الف). معانی الاخبار، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۴. _____ (۱۴۰۳ق - ب). النخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. _____ (۱۳۹۱). الاعتقادات، تصحیح مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام. قم: پیام امام هادی (علیه السلام).
۲۶. _____ (بی‌تا - الف). التوحید. تصحیح سیدهاشم حسینی طهرانی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۷. _____ (بی‌تا - ب). من لایحضره الفقیه. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۸. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا). تاریخ الطبری. تحقیق لجنة من العلماء. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۸). تمهید الاصول. ترجمه‌ی عبدالمحسن مشکوة‌الدینی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۳۰. _____ (۱۳۶۴). تهذیب الأحکام. تحقیق حسن موسوی خراسان. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۱. _____ (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال. تحقیق: میرداماد آسترآبادی. قم: مؤسسه آل‌البیته (ع).
۳۲. _____ (۱۴۰۶ق). الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد. بیروت: دار الأضواء.

۳۳. _____ (۱۴۱۵ق). رجال الطوسی. تحقیق جواد القيومی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۴. _____ (۱۴۱۷ق). الفهرست. تحقیق جواد القيومی. قم: مؤسسة نشر الفقاهة.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۶. مامقانی، عبدالله (۱۳۵۲ق). تنقیح المقال فی علم الرجال. نجف: المطبعة الرضویة.
۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الوفاء / دار إحياء التراث العربی.
۳۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الإرشاد. تحقیق مؤسسة آل البيت (ع). قم: دار المفید.
۳۹. منصوری راد، حسین (۱۳۹۴). شاخصه‌های کلام‌ورزی جریان محدث - متکلمان در مدرسه‌ی کلامی کوفه. کلام اهل بیت (ع)، س ۱، ص ۷۱-۸۹.
۴۰. موسوی تیان، سیداکبر (۱۳۹۹). بازخوانی جریان کلامی هشام بن حکم در بغداد. کلام امامیه، سال ۲، ۱، ۵۵-۷۶.
۴۱. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق). رجال النجاشی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.